

عنوان مقاله :

بررسی تاثیر ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی بر تغییر حسابرس

احمد خدای پور^۱

حمیدرضا احمدی نژاد^۲

چکیده

مطالعه تغییر حسابرس با توجه به ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی می تواند به تجزیه و تحلیل کیفیت حسابرسی و نقش حسابرس در حصول اطمینان از اعتبار مالی شرکت کمک کند. ساز و کار نظام راهبری شرکتی قوی به شرکت ها برای تعیین حسابرس واجد شرایط کمک می کند و این اطمینان را می دهد که نظارت موثر و مستقلی بر فرآیند گزارشگری مالی شرکت ها اعمال خواهد شد و در نتیجه صورت های مالی به طور منصفانه ارائه خواهند شد. در این پژوهش از چهار شاخص درجه تمرکز مالکیت، دوگانگی رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل، مالکیت نهادی و اهرم مالی برای اندازه گیری ساز و کار نظام راهبری شرکتی بر تغییر حسابرس استفاده شده است. داده های تحقیق از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ استخراج شده و برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از الگوی رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که بین درجه تمرکز مالکیت و تغییر حسابرس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از طرف دیگر یافته ها حاکی از این است که دوگانگی نقش مدیر عامل تاثیر معناداری بر تغییر حسابرس ندارد. همچنین در خصوص رابطه اهرم مالی با تغییر حسابرس نیز رابطه معناداری یافت نشد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که بین مالکیت سهامداران نهادی و تغییر حسابرس رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

واژه های کلیدی: نظام راهبری شرکتی، تغییر حسابرس، مالکیت نهادی، درجه تمرکز مالکیت

- دانشیار گروه حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان نویسنده مسئول

khodamipour@uk.ac.ir

- کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

ادغام کسب و کار در اقتصاد بازار معاصر منجر به تفکیک مالکیت و مدیریت شده است. مطابق با نظریه جنسن و همکاران^۳ (۱۹۷۶) سهامداران نمی‌توانند به طور مستقیم در مدیریت کسب و کار درگیر شوند و برای همین مدیران حرفه‌ای را برای اداره کسب و کار استخدام می‌نمایند. رابطه نمایندگی قراردادی است که بر اساس آن یک یا چند نفر مالک، شخص دیگری را به عنوان نماینده یا عامل از جانب خود منصوب و اختیار تصمیم‌گیری را به او تفویض می‌کنند.

با توجه به تضاد منافع شخصی و عدم تقارن اطلاعات، مدیران ممکن است به دنبال افزایش رفاه خود حتی در صورت داشتن هزینه برای مالکان و سایر سهامداران شوند که منجر به هزینه‌های نمایندگی می‌شود. بنابراین، مجموعه‌ای از ساز و کارها و یا اقدامات باید بر مدیریت تحمیل شود که آن‌ها را ملزم به انجام دادن کارهایی کند که بهترین منافع را برای مالکان به ارمغان آورد. یکی از این ساز و کارهای الزام آور عبارتست از انجام حسابرسی توسط حسابرسان حرفه‌ای مستقل بر عملیات و اطلاعات افشا شده توسط مدیریت. این مسئله به نوبه‌ی خود بازاری برای حسابرسان مستقل فراهم می‌کند که آن‌ها باید عملکرد مدیریت شرکت را با توجه به منابعی که مالکان در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند بررسی کنند (فرانسیس و همکاران^۴، ۱۹۸۸).

شرکت‌ها می‌توانند حسابرسان معتبر را برای اطمینان سرمایه‌گذاران از اعتبار صورت‌های مالی بکار گیرند و به این ترتیب مشکل تئوری نمایندگی کاهش یابد (اندرسون و همکاران^۵، ۲۰۰۴).

در یک مفهوم گسترده استقلال حسابرس شامل تخصص و صداقت اوست. به طور معمول کیفیت حسابرسی متناسب با اندازه‌ی شرکت حسابرسی در نظر گرفته می‌شود. شرکت‌های حسابرسی بزرگ باید از درجه استقلال بالاتری برخوردار باشند و همچنین دارای تخصص و منابع کافی باشند که بتوانند کیفیت بالاتری از خدمات حسابرسی ارائه نمایند. مثلاً (دی آنجلو^۶، ۱۹۸۱) معتقد است که کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مستقیمی با اندازه و سهم بازار شرکت‌های حسابرسی دارد.

از سوی دیگر به علت محدودیت دانش و منابع صنعتی، خدمات حسابرسی ارائه شده توسط شرکت‌های حسابرسی کوچک ممکن است کیفیت پایین‌تری داشته باشند. مطالعات قبلی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران ارزش بازار بیشتری به ارقام حسابداری گزارش شده توسط مشتریان شرکت‌های حسابرسی بزرگ قائل هستند. از طرف دیگر

- Jensen & et.al
- Francis & et al.
-Anderson & et al.
- DeAngelo

ارقام حسابداری افشا شده توسط مشتریان شرکت های بزرگ حسابرسی دارای محتوای اطلاعات بیشتری برای بازار می باشد (کریشنان^۷،) .

عملکرد حسابرس مستقل می تواند موجب کشف دستکاری های مدیریت در سود و سایر سوء استفاده های انجام شده توسط مدیران یا سهامداران کنترل کننده شود. بنابراین انگیزه های زیادی برای مدیران و سهامداران کنترل کننده که به دنبال حداکثر سازی منافع خود از طریق دستکاری در ارقام حسابداری هستند، وجود دارد تا در تصمیمات مربوط به تغییر حسابرس مداخله نمایند و منافع خود را مد نظر قرار بدهند (اندرسون و همکاران^۸، ۲۰۰۴). تصمیمات مربوط به تغییر حسابرس منوط به محدودیت های ساختار نظام راهبری شرکتی می باشد. لذا در این تحقیق به بررسی اثر درجه تمرکز مالکیت، دوگانگی رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل، مالکیت نهادی و نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها (اهرم مالی) بر تغییر حسابرس پرداخته شده است.

بیان مسئله تحقیق

نظام راهبری شرکتی، به مجموعه ی فرآیندها، رسم ها، سیاست ها، قوانین و نهادهایی گفته می شود که به روش یک شرکت از نظر اداره، راهبری و یا کنترل تأثیر بگذارد. بنا براین هدف اصلی نظام راهبری شرکتی عبارتست از نظارت بر رفتار طرف های درگیر ذی نفع و کاهش هزینه ی نمایندگی در زمینه ها و روابط مختلف. چند مطالعه ی تجربی نشان داده است که نظام راهبری شرکتی رابطه ی مثبتی با بهره وری و اثر بخشی عملکرد شرکت دارد (لاپورتا و همکاران^۹، ۲۰۰۲).

به خصوص پس از رسوایی های شرکت های انرون و ورلد کام در اوایل سال ۲۰۰۰، پژوهشگران در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مطالعات زیادی در خصوص نظام راهبری شرکتی انجام دادند و روش های مختلفی به منظور بالا بردن استانداردهای نظام راهبری شرکتی ارائه کرده اند (دنيس و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۳). لذا سوال اصلی تحقیق این است که آیا چهار شاخص درجه تمرکز مالکیت، دوگانگی رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل، مالکیت نهادی و نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها به عنوان ساز و کار نظام راهبری شرکتی در تغییر حسابرسان مستقل موثر می باشند یا خیر.

مبانی نظری تحقیق

نظام راهبری شرکتی: نظام راهبری شرکتی عبارت است از فرآیند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران (حساس یگانه، ۱۳۸۵). ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی دارای ابعاد گوناگونی است که باعث کاهش تعارض نمایندگی می شود و ممکن است در برگیرنده جنبه های متفاوتی باشد

- Krishnan
- Anderson & et al.
- La Porta & et al.
- Denis & et al.

که جایگزین و مکمل یکدیگر هستند (دی^{۱۱}، ۲۰۰۸). در دیدگاه های محدود که در قالب تئوری نمایندگی بیان می شود، ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی به رابطه بین شرکت و سهامداران محدود می شود و تنها تضاد منافع بین مدیران و سهامداران (مالکان) مورد توجه قرار می گیرد. در آن سوی طیف نیز ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی را می توان به صورت یک شبکه از روابط دید که نه تنها بین مدیران و سهامداران (مالکان)، بلکه بین مدیران و تعداد زیادی از ذی نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان و دارندگان اوراق قرضه وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب تئوری ذی نفعان بیان می شود (آقایی و همکاران).

به طور کلی نظام راهبری شرکتی می تواند به عنوان مسئله ای که یک نماینده (مدیرعامل شرکت) و سایر طرف های اصلی (سهامداران، بستانکاران، عرضه کنندگان مواد اولیه، مشتریان، کارکنان و سایر گروه هایی که مدیرعامل به نیابت از شرکت نسبت به آن ها متعهد می شود) را درگیر می کند، توصیف شود.

تغییر حسابرس: حامیان تغییر حسابرس باور دارند در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می گیرند که قادر خواهند بود در مقابل فشارها و خواسته های مدیران مقاومت کرده و قضاوت بیطرفانه تری را اعمال نمایند. حضور طولانی مدت حسابرس در کنار یک صاحبکار، موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نقطه نظرات مدیریت صاحبکار می شود، وضعیتی که استقلال و بیطرفی او را مخدوش می کند (رجبی، ۱۳۸۵).

در مقابل، گروهی معتقدند که عوامل دیگری وجود دارند که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می کنند. به عنوان مثال تلاشی که حسابرسان در جهت حفظ اعتبار و شهرت به کار می گیرند و یا ترس از احتمال طرح دعوی حقوقی علیه آن ها ساز و کارهایی هستند که مانع از رفتارهای نامناسب حسابرسان می شود. آن ها معتقدند حسابرسان با گذشت زمان شناخت بهتری از فعالیت های صاحبکار بدست آورده و تجربه بیشتری کسب می کنند و به این ترتیب توانایی شان در مورد مناسب بودن یا نبودن رویه های حسابداری و گزارشگری افزایش می یابد. بنابراین رابطه طولانی مدت حسابرس و صاحبکار می تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد.

بحث محدود کردن تغییر حسابرس شامل دو مقوله مجزا می باشد. یکی تغییر در سطح کادر حسابرسی به خصوص در رده شرکا و مدیران و دیگری تغییر در سطح موسسه حسابرسی است (همیلتون و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۵).

در ایران طبق تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس مصوب ۸۶/۵/۸، شورای عالی بورس اوراق بهادار، موسسات حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت واحدی را بپذیرند (کرمی، ۱۳۸۹). کسب شناخت بیشتر پدیده تغییر حسابرس و ارزیابی عوامل موثر بر آن و همچنین پیامدهای احتمالی آن و در نتیجه استفاده بهینه از این ابزار جز با انجام تحقیقات گسترده در این زمینه

حاصل نمی شود. بنابراین در این تحقیق به دنبال بررسی تاثیر ساز و کار های نظام راهبری شرکتی بر تغییر حسابر س هستیم.

درجه تمرکز مالکیت: تمرکز مالکیت بالا از ویژگی های بسیاری از شرکت ها می باشد و این شرکت ها معمولاً دارای یک مالک بزرگ کنترل کننده می باشند. بنابراین این شرکت ها هزینه ی نمایندگی بیشتری دارند به این دلیل که سهامداران کنترل کننده نفوذ زیادی در امور شرکت دارند و این امر کار آن ها را برای دور زدن نظارت سایر سهامداران آسان تر می کند. در این شرکت ها سهامداران کنترل کننده ممکن است از طریق اقدامات غیر قانونی از سهامداران اقلیت سلب مالکیت کنند. محققان استدلال می کنند که مشکل هزینه ی نمایندگی در چنین شرکت هایی سلب مالکیت از سهامداران اقلیت توسط سهامداران کنترل کننده می باشد (لا پورتا و همکاران^۳، ۱۹۹۹).

تمایل به حداکثر رساندن منافع خود از طریق اقدامات غیر قانونی یا انتقال منافع موجب می شود این شرکت ها از حسابرسی شدن توسط شرکت های حسابرسی با کیفیت بالا اجتناب کنند. بنابراین در شرکت هایی با درجه ی بالای تمرکز مالکیت و با ساز و کار نظام راهبری شرکتی ضعیف شفافیت سود کاهش می یابد و حسابر س شرکت را به احتمال زیاد به شرکت های حسابرسی با کیفیت پایین تغییر می دهند تا از منافع شخصی خود که از طریق اقدامات غیر قانونی بدست آمده است، محافظت نمایند.

دوگانگی رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل: با وجود یک ساختار نظام راهبری شرکتی قوی، هیئت مدیره اطمینان حاصل می کند که عملکرد مدیران، بهترین منافع را برای سهامداران به وجود می آورد. هیئت مدیره مسئولیت اجرای قوانین تصویب شده توسط مجمع سهامداران را به عهده دارد. در برخی از شرکت ها نقش رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل را یک نفر به عهده دارد. در نتیجه تمایل کمتری به بی طرفی در انجام نظارت و ارزیابی عملکرد مدیریت وجود دارد.

جدا بودن این دو موقعیت به رئیس هیئت مدیره اجازه می دهد که به نمایندگی از سهامداران بی طرفانه بر کار مدیر عامل و عملکرد کلی مدیریت نظارت کند. اگر موقعیت رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت توسط یک شخص ایفا شود منجر به شفافیت کمتر و ناکارآمدی نقش نظارت بر عملکرد هیئت مدیره می شود و کاهش یا عدم نظارت ممکن است راه را برای رسوایی های ملی هموار کند و فساد آور باشد. (لین و مینگ^۴، ۲۰۱۰).

مالکیت نهادی: سرمایه گذاران نهادی با توجه به مالکیت بخش قابل توجهی از سهام شرکت ها از نفوذ قابل ملاحظه ای در شرکت های سرمایه پذیر برخوردار بوده و می توانند رویه های مالی و عملیاتی آن ها را تحت تاثیر

قرار دهند. مطابق با تعریف بوش^{۱۵} (۲۰۰۰) سرمایه گذاران نهادی، سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانک ها، شرکت های بیمه، شرکت های سرمایه گذاری و صندوق های بازنشستگی هستند. عموماً این گونه تصور می شود که حضور سرمایه گذاران نهادی ممکن است به تغییر رفتار شرکت ها منجر شود. این امر از فعالیت های نظارتی نشأت می گیرد که این سرمایه گذاران انجام می دهند (والری و جنکینز^{۱۶}، ۲۰۰۶).

بر اساس فرضیه ی نظارت فعال، سرمایه گذاران نهادی، سهامداران متبصری هستند که دارای مزیت نسبی در جمع آوری و پردازش اطلاعات هستند. منطق فرضیه ی نظارت فعال این است که به علت بالا بودن هزینه ی نظارت، فقط سهامداران بزرگ نظیر سرمایه گذاران نهادی می توانند با دستیابی به مزایای کافی، انگیزه ی نظارت را داشته باشند (پوند^{۱۷}، ۱۹۸۸).

سهامداران نهادی، سهامدارانی با افق دید بلند مدت هستند که مبادلات خود را به تنهایی بر مبنای اخبار سود ترتیب نمی دهند. در حقیقت سهامداران نهادی به ارزش بلند مدت شرکت توجه ی زیادی داشته و عمدتاً از توانایی و قدرت کنترل شرکت نیز برخوردار هستند (کی و همکاران^{۱۸}، ۲۰۰۴، گاسپار و همکاران^{۱۹}، ۲۰۰۵). در نتیجه سرمایه گذاران نهادی بیشتر خواستار حسابرسی شرکت توسط شرکت های حسابرسی بزرگتر می باشند تا بهتر عملکرد مدیریت را تحت نظارت قرار بدهند.

اهرم مالی: از دیدگاه مدیریتی تصمیمات ساختار سرمایه فقط به وسیله ی عوامل داخلی و خارجی تاثیر گذار بر ریسک و کنترل تعیین نمی شود بلکه ارزش ها، اهداف، ترجیحات و خواسته های مدیریت نیز ورودی های بسیار مهمی در تصمیمات مالی هستند. به ویژه تصمیمات تامین مالی شرکت متاثر از انگیزه های متضاد مدیریت می باشد و انگیزه های مدیران برای اقدام فرصت طلبانه می تواند به وسیله ی ساز و کارهای راهبری شرکتی تحت تاثیر قرار بگیرد (شلیفر و وسینی^{۲۰}، ۱۹۸۶). بر اساس ادبیات تئوری نمایندگی، استفاده بیشتر از بدهی ها در ساختار سرمایه شرکت به عنوان یکی از راه های کاهش هزینه های نمایندگی معرفی می شود چرا که استفاده بیشتر از بدهی ها در ساختار سرمایه شرکت، از طریق کاهش نیاز به تامین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام، باعث کاهش تعارضات و تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می شود (جنسن و مککلینگ^{۲۱}، ۱۹۷۶).

طلبکاران شرکت انتظار دارند که امنیت سرمایه هایشان در شرکت تضمین شود و خطرات ورشکستگی و از بین رفتن اصل و فرع سرمایه به حداقل برسد. در واقع تضاد منافع بین وام دهندگان و مدیران موجب می شود که به

خاطر رعایت حقوق سرمایه گذاران کنترل هایی بر نحوه ی عملکرد مدیریت وضع شود که یکی از مهم ترین کنترل های اعمال شده توسط طلبکاران، حسابرسی شرکت توسط شرکت های حسابرسی با کیفیت بالا می باشد.

پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام شده در خارج کشور

فارگر و همکاران^{۲۲} (۲۰۰۱)، با استفاده از نمونه ای شامل ۷۹۶ مشاهده از ۲۰ کشور مختلف طی سال ۱۹۹۴ به بررسی تقاضا برای شهرت مؤسسات حسابرسی در بازارهای بین المللی پرداختند. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، ویژگی های افشا، تولید ناخالص داخلی و لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی با انتخاب ۶ حسابرس بزرگ بیانگر این بود که ویژگی های افشا، تنها عوامل انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ هستند.

کان و همکاران^{۲۳} (۲۰۰۴)، نقش مالکیت نهادی در بازار خدمات حسابرسی را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. نتایج حاصل از بررسی ۷۵۸۲ مشاهده طی سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ نشان داد که میزان مالکیت نهادی به صورت مثبت و معنی داری با اندازه حسابرس در ارتباط است. همچنین اندازه شرکت و نسبت بدهی بلندمدت به کل دارایی ها نیز دارای رابطه مثبت و معنی داری با احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ هستند.

در پژوهش لوئیس هنوک^{۲۴} (۲۰۰۵)، مشخص شد، مؤسسات حسابرسی بزرگ تر معمولاً خدمات بهتری را نسبت به مؤسسات کوچک تر ارائه می دهند. اما مواردی هم یافت شد که مؤسسات حسابرسی کوچک تر مشاوره بهتری را به صاحبکاران خود ارائه می دهند.

چانتائو و همکاران^{۲۵} (۲۰۰۷)، در پژوهش خود به تحلیل شناخت درک بازار سهام از کیفیت حسابرسی میان تعدادی از مؤسسات حسابرسی کوچک در بازار حسابرسی چین پرداختند. این پژوهشگران دریافتند رابطه مثبت بین اندازه مؤسسه حسابرسی و درک سرمایه گذار از کیفیت سودآوری وجود دارد. نتایج پژوهش چانتائو و همکاران نشان داد، اندازه های مختلف مؤسسات حسابرسی روی کیفیت حسابرسی تأثیرگذار است.

وانگ و همکاران^{۲۶} (۲۰۰۸)، با بررسی ۵۷۵۹ صاحبکار چینی طی سال های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ به این نتیجه رسیدند که شرکت های دولتی در مقایسه با شرکت های غیردولتی تمایل بیشتری به استفاده از حسابرسان کوچک محلی دارند. گیودهامی و همکاران^{۲۷} (۲۰۰۹)، با استفاده از نمونه های متشکل از ۱۷۶ شرکت خصوصی از ۲۱ کشور در حال توسعه و ۱۱ کشور توسعه یافته طی دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر انتخاب

-Fargher & et al.

Kane & et al.

- Henock Louis

- Chuntao & et al.

^{۲۶}- Wang & et al.

مؤسسات حسابرسی پرداختند. آن ها، پس از کنترل عوامل مربوط به اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت موجودی کالا بر کل دارایی ها، رشد فروش و تولید ناخالص داخلی سرانه، به این نتیجه رسیدند که در شرکت های مورد مطالعه مالکیت دولتی و مالکیت خارجی دارای رابطه معنی دار منفی با انتخاب ۴ مؤسسه حسابرسی بزرگ هستند. لین و همکاران^{۲۸} (۲۰۰۹)، به بررسی تأثیر ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی بر انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ پرداختند. نتایج حاصل از بررسی نمون های شامل ۱۸۴ شرکت طی دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ بیانگر این بود که اعمال کنترل توسط سهامداران عمده و یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره باعث کاهش احتمال انتخاب ۱۰ حسابرس بزرگ چینی می شود.

تحقیقات انجام شده در داخل کشور

حسین و همکاران^{۲۹} (۲۰۱۰)، با استفاده از نمونه ای متشکل از ۲۸۲ شرکت پذیرفته شده در ۱۶ بازار نوظهور به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت راهبری شرکتی و اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و این ارتباط به وسیله میزان حمایت قانونی از سهامداران اقلیت در سطح کشور تقویت می شود. رضازاده و همکاران (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان در شرکت های ایرانی را مورد بررسی قرار دادند. نمونه مورد مطالعه شامل ۷۴ شرکت مشتمل بر دو گروه ۳۷ شرکتی با تغییر حسابرس و بدون تغییر حسابرس طی سال ۱۳۸۱ بود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که حق الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرسان، تغییر ترکیب مدیران شرکت و اندازه شرکت های مورد بررسی، بر تغییر حسابرسان تأثیر مثبت و معنی داری دارد. حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۷)، در تحقیقی تحت عنوان چرخش مؤسسات حسابرسی و تأثیر آن بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در پی پاسخ به این پرسش بوده است که آیا چرخش مؤسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی می شود؟ بدین منظور محقق با بررسی عوامل کشف تحریفات موجود در صورت های مالی (شایستگی حسابرس) و گزارش تحریفات کشف شده (استقلال حسابرس) به این نتیجه رسید که چرخش مؤسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی شود. نوروش و همکاران (۱۳۸۸)، به بررسی رابطه بین ساز و کارهای نظام راهبری شرکت و هزینه های نمایندگی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از بررسی نمونه ی ۸۸ شرکت طی سال های ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۵ بیانگر این بود که بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با هزینه های نمایندگی رابطه ی معنا دار و منفی وجود دارد. از طرفی، نتایج پژوهش آن ها با فرض وجود رابطه بین نسبت بدهی شرکت ها و هزینه نمایندگی مطابقت نداشت.

^{۲۹}- Guedhami & et al.

^{۲۸}- Lin & et al.

Hossain & et al.

حساس یگانه و آذین فر (۱۳۸۹)، طی پژوهشی به بررسی تاثیر اندازه مؤسسه حسابرسي بر کیفیت حسابرسي پرداختند. به همین منظور مؤسسات حسابرسي عضو جامعه حسابداران رسمي در زمره حسابرسي کوچک (مؤسسات حسابرسي کوچک) و سازمان حسابرسي به دليل کارکنان زياد و قدمت بیشتر در زمره حسابرسي بزرگ قرار می گیرد. برای بررسی کیفیت نیز معيار پژوهشگران، مقایسه تحريفات کشف شده و گزارش شده در گزارش های حسابرسي به تفکیک پنج نوع تحريف، از طريق مقایسه گزارش حسابرسي سال جاری و گردش سود و زیان انباشته سال آتی انجام می شود. روش مورد استفاده، روش پژوهش دو وجهی بوده و تحليل های آماری صورت گرفته در این پژوهش مبین رابطه معنادار و معکوس کیفیت حسابرسي و اندازه حسابرسي (مؤسسه حسابرسي) است.

فرضیه های پژوهش

با توجه به مطالب بیان شده، فرضیه های پژوهش به صورت زیر مطرح می شوند:

فرضیه ۱: بین اعمال کنترل توسط سهامدار عمده و تغییر حسابرسي رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین یکسان بودن نقش رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و تغییر حسابرسي رابطه معناداری وجود دارد

فرضیه ۳: بین درصد مالکیت نهادی و تغییر حسابرسي رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴: بین اهرم مالی و تغییر حسابرسي رابطه معنادار وجود دارد.

روش شناختی پژوهش

پژوهش حاضر، از لحاظ روش شناسی، در حیطه رویدادهای شبه تجربی و پس رویدادی می باشد. در این پژوهش در راستای آزمون فرضیه های پژوهش، ابتدا با استفاده از روش کتابخانه ای، ضمن مطالعه ادبیات موضوع، جستجو در نتایج پژوهش های قبلی صورت گرفته و مطالعه ی کتب، نشریات، مجلات و سایت های معتبر این حوزه (از جمله سایت مرکز پژوهش و مطالعات اسلامی سازمان بورس، گزارشات و سالنامه مالی سازمان بورس اوراق بهادار تهران، نشریات هفتگی سازمان، گزارش های حسابرسي موجود در کتابخانه سازمان بورس اوراق بهادار تهران، گزارشات مندرج در نشریات تخصصی حسابداری و بسیاری منابع دیگر)؛ عوامل و اجزای اطلاعاتی مورد نیاز به دست آمد. داده های مورد نظر از پایگاه اطلاعاتی نظیر تدبیر پرداز و همچنین از صورت های مالی و گزارش حسابرسي شرکت ها استخراج گردیده و فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفته است. در این پژوهش از یک طبقه بندی دو وجهی برای تقسیم مؤسسات حسابرسي به دو گروه مؤسسات بزرگ و کوچک استفاده شده است. بر این اساس، به پیروی از حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹)، سازمان حسابرسي به دليل تعداد کارکنان زياد و قدمت بیشتر به عنوان مؤسسه حسابرسي بزرگ و سایر مؤسسات حسابرسي عضو جامعه حسابداران رسمي به عنوان مؤسسات حسابرسي کوچک مورد بررسی قرار می گیرند.

مدل تحقیق

$$AS = + LSH + INSOWN + DEBT + CEOCHR + GOV + OPI + LNASSET + MB + LOSS +$$

که در آن:

AS: به عنوان تغییر حسابرس شرکت تعریف شده است (متغیر وابسته می باشد).

AS=1 اگر شرکت حسابرس خود را به شرکت حسابرسی کوچک تغییر دهد

AS= در غیر این صورت

متغیر های مستقل

LSH: به عنوان درصد نگهداری سهام توسط بزرگترین سهامدار مالک تعریف می شود.

INSOWN: به عنوان درصد نگهداری سهام توسط سهامداران نهادی تعریف می شود.

DEBT: به عنوان نسبت کل بدهی ها به ارزش دفتری کل دارائی ها تعریف می شود.

CEOCHR: به عنوان ایفای نقش رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل تعریف می شود.

CEOCHR=1 اگر رئیس هیئت مدیره، مدیر عامل شرکت هم باشد

CEOCHR=0 در غیر این صورت

متغیر های کنترلی

GOV: به عنوان بزرگترین سهامدار مالک تعریف می شود.

GOV=1 اگر بزرگترین سهامدار مالک، دولتی باشد

GOV=0 اگر بزرگترین سهامدار مالک، غیر دولتی باشد

OPI: به عنوان دریافت گزارش مقبول یا غیر مقبول حسابرسی تعریف می شود:

OPI=1 اگر شرکت یک گزارش حسابرسی غیرمقبول دریافت کرده باشد

OPI=0 اگر شرکت یک گزارش حسابرسی مقبول دریافت کرده باشد

LNASSET: به عنوان لگاریتم جمع دارایی ها در پایان دوره ی گذشته تعریف می شود.

MB: به عنوان نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت در پایان سال گذشته تعریف می شود.

LOSS: به عنوان نتیجه ی عملیات شرکت تعریف می شود.

LOSS=1 اگر شرکت زیان گزارش کرده باشد

LOSS=۰

اگر شرکت زیان گزارش نکرده باشد

جامعه آماری و برآورد حجم نمونه

جامعه آماری شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

برای انتخاب نمونه محدودیت های زیر اعمال شده است:

۱- قبل از سال ۱۳۸۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۱۳۹۰ نماد آن ها از تابلو معاملات حذف نشده باشد.

۲- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن ها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.

۳- شرکت طی دوره زمانی تحقیق، تغییر سال مالی نداده باشد.

۴- داده های مورد نیاز این تحقیق موجود باشد.

۵- شرکت های نمونه جزء شرکت های واسطه گری مالی نباشند.

در نهایت با در نظر گرفتن محدودیت های ذکر شده تعداد ۵۰ شرکت که دارای ویژگی های فوق بودند به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی تحقیق

آمار توصیفی مشاهدات شامل میانگین، میانه، بیشترین مقدار، کمترین مقدار و انحراف معیار در جدول شماره (۱) ارائه شده است. داده ها به صورت پانلی جمع آوری و با استفاده از ۵۰۰ مشاهده (سال-شرکت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
لگارتیم دارایی ها	۱۳/۲۶	۱۳/۲۴	۱/۲	۹/۲۹	۱۶/۱۷
ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت	۱/۸	۱/۹۳	۱۳/۷	-۵۰	۱۱۵/۸
نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها	۰/۷۴	۰/۷۱	۰/۱۷	۰/۴۹	۱/۷
سهامداران نهادی	۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۱۵	۰/۶	۰/۹۹
دریافت گزارش حسابرسی غیر مقبول	۰/۸۵	۱	۰/۴۷	۰	۱
نتیجه ی عملیات شرکت	۰/۰۷	۰	۰/۲۶	۰	۱
نوع بزرگترین سهامدار مالک	۰/۷۶	۱	۰/۴۲	۰	۱
درصد نگهداری سهام توسط بزرگترین سهامدار مالک	۰/۷	۰/۷	۰/۰۹	۰/۴۹	۰/۹۹
دوگانگی نقش مدیر عامل	۰/۰۲۶	۰	۰/۱۶	۰	۱

نتایج تحلیل توصیفی داده ها بیانگر این است که به طور متوسط تنها در دو درصد از شرکت های مورد بررسی دوگانگی نقش مدیر عامل وجود داشته است. متوسط اهرم مالی شرکت های مورد بررسی در حدود هفتاد و چهار درصد بوده است. متوسط درصد نگهداری سهام در شرکت های مورد بررسی در حدود هشتاد درصد بوده است که نشان می دهد سهامداران نهادی نقش پر رنگ و مهمی در شرکت های مورد بررسی بر عهده داشته اند. همچنین متوسط دریافت گزارش حسابرسی نشان می دهد که اغلب شرکت ها گزارش حسابرسی غیر مقبول دریافت کرده اند. همچنین متوسط نوع بزرگترین سهامدار مالک در حدود هفتاد و شش درصد می باشد که نشان می دهد در اکثر شرکت ها بزرگترین سهامدار مالک دولتی بوده است.

نتایج آزمون فرضیه اول:

در فرضیه اول بیان شد که بین اعمال کنترل توسط سهامدار عمده و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین:

$H =$ بین اعمال کنترل توسط سهامدار عمده و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد.

$H =$ بین اعمال کنترل توسط سهامدار عمده و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۲): نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق

AS= + LSH+ INSOWN+ DEBT+ CEOCHR+ GOV + OPI+ LNASSET+ MB+ LOSS+			
متغیر	ضریب	آماره Z	سطح معنی داری
B	۰/۶۵	۰/۴۳	۰/۶۶
LSH	۵/۳۸	۳/۱۶	۰/۰۰۱۶
CEOCHR	-۰/۲	-۰/۳۲	۰/۷۴
INSOWN	-۲/۲۷	-۲/۳۶	۰/۰۱
DEBT	-۱/۷۷	-۱/۸۲	۰/۰۶۸
GOV	-۰/۷۴	-۳/۰۹	۰/۰۰۱۹
OPI	۰/۴۹	۲/۱۵	۰/۰۳
LNASSET	-۰/۱۵	-۱/۷۴	۰/۰۸
MB	۰/۰۳	۲/۴۹	۰/۰۱
LOSS	۰/۷۳	۱/۹۴	۰/۰۵
آماره LR	۴۴/۴	سطح معنا داری LR	۰/۰۰۰۰
	۰/۱۱	R ^۲	

همان طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می شود، نتایج ضریب و آماره Z متغیر سهامدار عمده برابر با ۵/۳۸ و ۳/۱۶ می باشد که بیانگر ارتباط مثبت بین اعمال کنترل توسط سهامدار عمده و تغییر حسابرس می باشد. این ارتباط در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنا دار می باشد. بنابراین، فرضیه اول تحقیق در سطح اطمینان ۹۹٪ پذیرفته می شود. به عبارتی هر چه درصد بالایی از سهام توسط سهامدار عمده نگهداری شود تغییر به یک موسسه حسابرسی کوچکتر محتمل تر است. علت وجود این رابطه را می توان تمایل سهامداران کنترل کننده به کاهش نظارت خارجی بر تصمیمات اتخاذ شده در درون شرکت، از طریق کاهش کیفیت حسابرسی انجام شده توسط حسابرسان عنوان کرد.

نتایج آزمون فرضیه دوم:

در فرضیه دوم بیان شد که بین یکسان بودن نقش رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و تغییر حسابر س رابطه معناداری وجود دارد.

بنابراین:

$H =$ بین یکسان بودن نقش رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و تغییر حسابر س رابطه معناداری وجود ندارد.

$H =$ بین یکسان بودن نقش رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و تغییر حسابر س رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون فرضیه دوم تحقیق

AS= + LSH+ INSOWN+ DEBT+ CEOCHR+ GOV + OPI+ LNASSET+ MB+ LOSS+			
متغیر	ضریب	آماره Z	سطح معنی داری
B	۰/۶۵	۰/۴۳	۰/۶۶
LSH	۵/۳۸	۳/۱۶	۰/۰۰۱۶
CEOCHR	-۰/۲	-۰/۳۲	۰/۷۴
INSOWN	-۲/۲۷	-۲/۳۶	۰/۰۱
DEBT	-۱/۷۷	-۱/۸۲	۰/۰۶۸
GOV	-۰/۷۴	-۳/۰۹	۰/۰۰۱۹
OPI	۰/۴۹	۲/۱۵	۰/۰۳
LNASSET	-۰/۱۵	-۱/۷۴	۰/۰۸
MB	۰/۰۳	۲/۴۹	۰/۰۱
LOSS	۰/۷۳	۱/۹۴	۰/۰۵
آماره LR	۴۴/۴	سطح معناداری LR	۰/۰۰۰۰
	۰/۱۱	R^2	

همان طور که در جدول شماره (۳) مشاهده می شود، نتایج ضریب و آماره ی Z متغیر یکسان بودن نقش رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل برابر با ۰/۲- و ۰/۳۲- می باشد. با توجه به سطح معناداری ۰/۷۴ نمی توان بیان کرد که ارتباط معناداری بین دوگانگی نقش مدیر عامل و تغییر حسابر س وجود دارد. با توجه به عدم مطابقت یافته های فرضیه ی دوم با مبانی نظری، می توان علت را در این موضوع جستجو کرد که در بین ۵۰۰ مشاهده (شرکت-سال) در این پژوهش، تنها در ۱۳ مورد از مشاهده ها، مدیر عامل و رییس هیئت مدیره یکسان بوده اند و در ۴۸۷ مشاهده

دیگر، مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره از یکدیگر مجزا بوده اند. بنا براین، نبود رابطه ی معنا دار بین یکسانی مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره با تغییر حسابرس در این پژوهش، چندان دور از انتظار نیست.

نتایج آزمون فرضیه سوم:

در فرضیه سوم بیان شد که بین درصد مالکیت نهادی و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین:

H = بین درصد مالکیت نهادی و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد.

H = بین درصد مالکیت نهادی و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون فرضیه سوم تحقیق

AS= + LSH+ INSOWN+ DEBT+ CEOCHR+ GOV + OPI+ LNASSET+ MB+ LOSS+			
متغیر	ضریب	آماره Z	سطح معنی داری
B	۰/۶۵	۰/۴۳	۰/۶۶
LSH	۵/۳۸	۳/۱۶	۰/۰۰۱۶
CEOCHR	-۰/۲	-۰/۳۲	۰/۷۴
INSOWN	-۲/۲۷	-۲/۳۶	۰/۰۱
DEBT	-۱/۷۷	-۱/۸۲	۰/۰۶۸
GOV	-۰/۷۴	-۳/۰۹	۰/۰۰۱۹
OPI	۰/۴۹	۲/۱۵	۰/۰۳
LNASSET	-۰/۱۵	-۱/۷۴	۰/۰۸
MB	۰/۰۳	۲/۴۹	۰/۰۱
LOSS	۰/۷۳	۱/۹۴	۰/۰۵
آماره LR	۴۴/۴	سطح معنا داری LR	۰/۰۰۰۰
	۰/۱۱	R ^۲	

همان طور که در جدول شماره (۴) مشاهده می شود، نتایج ضریب و آماره ی Z متغیر مالکان نهادی برابر با ۲/۲۷- و ۲/۳۶- می باشد که بیانگر ارتباط منفی بین مالکیت سهامداران نهادی و تغییر حسابرس می باشد. این ارتباط در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می باشد. بنابراین، فرضیه سوم تحقیق در سطح اطمینان ۹۹٪ پذیرفته می شود. به

عبارتی هر چه درصد پایین تری از سهام توسط سهامداران نهادی نگه داری شود تغییر به یک موسسه حسابرسی کوچکتر محتمل تر است.

نتایج آزمون فرضیه چهارم:

در فرضیه چهارم بیان شد که بین اهرم مالی و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.
بنابراین:

$H = H$ بین اهرم مالی و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد.

$H = H$ بین اهرم مالی و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون فرضیه چهارم تحقیق

AS= + LSH+ INSOWN+ DEBT+ CEOCHR+ GOV + OPI+ LNASSET+ MB+ LOSS+			
متغیر	ضریب	آماره Z	سطح معنی داری
B	۰/۶۵	۰/۴۳	۰/۶۶
LSH	۵/۳۸	۳/۱۶	۰/۰۰۱۶
CEOCHR	-۰/۲	-۰/۳۲	۰/۷۴
INSOWN	-۲/۲۷	-۲/۳۶	۰/۰۱
DEBT	-۱/۷۷	-۱/۸۲	۰/۰۶۸
GOV	-۰/۷۴	-۳/۰۹	۰/۰۰۱۹
OPI	۰/۴۹	۲/۱۵	۰/۰۳
LNASSET	-۰/۱۵	-۱/۷۴	۰/۰۸
MB	۰/۰۳	۲/۴۹	۰/۰۱
LOSS	۰/۷۳	۱/۹۴	۰/۰۵
آماره LR	۴۴/۴	سطح معنا داری LR	۰/۰۰۰۰
	۰/۱۱	R^2	

همان طور که در جدول شماره (۵) مشاهده می شود، نتایج ضریب و آماره Z متغیر مالکان نهادی برابر با $۱/۷۷$ - و $۱/۸۲$ - می باشد. با توجه به سطح معناداری $۰/۰۶۸$ نمی توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵% ارتباط معناداری

بین اهرم مالی و تغییر حسابرس وجود دارد. با توجه به عدم مطابقت یافته های فرضیه ی چهارم با مبانی نظری، می توان علت را در این مسئله جستجو کرد که اعتبار دهندگان به شرکت های مورد بررسی از قدرت نظارتی کافی برخوردار نیستند. این نتایج همچنین موید نتایج پژوهش نوروش و همکاران (۱۳۸۸) است. آن ها نشان دادند که بین نسبت بدهی و هزینه های نمایندگی ارتباط معناداری وجود ندارد.

نتیجه گیری

ساز و کار نظام راهبری شرکتی قوی به شرکت ها برای تعیین حسابرس واجد شرایط کمک می کند و این اطمینان را می دهد که نظارت موثر و مستقلی بر فرآیند گزارشگری مالی شرکت ها اعمال خواهد شد و در نتیجه صورت های مالی به طور منصفانه اعمال خواهند شد. در این پژوهش سعی بر آن بود تا با استفاده از اندازه گیری ساز و کار های نظام راهبری شرکتی، به بررسی رابطه بین نظام راهبری شرکتی و تغییر حسابرس پرداخته شود. نتایج تحقیق را می توان به شرح زیر بیان کرد:

اعمال کنترل توسط سهامداران عمده بر تغییر حسابرس اثر دارد. به عبارتی هر چه درصد بالایی از سهام توسط سهامدار عمده نگهداری شود تغییر به یک موسسه حسابرسی کوچکتر محتمل تر است. علت وجود این رابطه را می توان تمایل سهامداران کنترل کننده به کاهش نظارت خارجی بر تصمیمات اتخاذ شده در درون شرکت، از طریق کاهش کیفیت حسابرسی انجام شده توسط حسابرسان عنوان کرد. بین یکسان بودن نقش رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و تغییر حسابرس، اثری بر تغییر حسابرس ندارد. با توجه به عدم مطابقت یافته های فرضیه ی دوم با مبانی نظری، می توان علت را در این مسئله جستجو کرد که در بین ۵۰۰ مشاهده شرکت-سال در این پژوهش، تنها در ۱۳ مورد از مشاهده ها، مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره یکسان بوده اند و در ۴۸۷ مشاهده دیگر، مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره از یکدیگر مجزا بوده اند. بنا بر این، نبود رابطه ی معنادار بین یکسانی مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره با تغییر حسابرس در این پژوهش، چندان دور از انتظار نیست. درصد مالکیت سهامداران نهادی بر تغییر حسابرس اثر دارد. اهرم مالی بر تغییر حسابرس اثری ندارد. با توجه به عدم مطابقت یافته های فرضیه ی چهارم با مبانی نظری، می توان علت را در این مسئله جستجو کرد که اعتبار دهندگان به شرکت های مورد بررسی از قدرت نظارتی کافی برخوردار نیستند.

پیشنهادات کاربردی تحقیق

بر مبنای یافته های حاصل از این پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

۱- با توجه به نتایج آزمون فرضیه های این تحقیق پیشنهاد می شود که شرکت ها توجه بیشتری به ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی مانند اهرم مالی، تمرکز مالکیت و مالکان نهادی داشته باشند تا از نقطه نظر شفافیت مالی وضعیت بهتری کسب نمایند.

۲- سازمان های ذی ربط، از جمله جامعه حسابداران رسمی ایران اقدام به رتبه بندی موسسه های حسابرسی، بر اساس کیفیت خدمات حسابرسی ارائه شده نمایند، تا شرکت ها بتوانند بین موسسه های حسابرسی از نظر کیفیت تمایز قائل شوند.

۳- جامعه حسابداران رسمی ایران، موسسه های حسابرسی عضو را ملزم به افشای اطلاعات درآمد سالانه، تعداد گروه های حسابرسی فعال، تعداد کارکنان و سایر اطلاعات در مورد وضعیت مالی نماید تا شرکت ها و استفاده کنندگان از صورت های مالی بتوانند بین موسسه های حسابرسی مختلف ارزیابی لازم را داشته باشند.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

یافته های این تحقیق می تواند به عنوان الگویی برای مطالعات آتی باشد. بنابراین به منظور بررسی بیشتر می توان موضوعات زیر را مورد بررسی قرار داد:

۱- انجام پژوهش در خصوص شناسایی عوامل موثر بر تغییر حسابرس در ایران با در نظر گرفتن معیارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی.

۲- رابطه بین ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی و تغییر حسابرس در شرکت های ورشکسته مورد بررسی قرار گیرد تا اثر کیفیت حسابرسی به عنوان ساز و کارهای خارجی در سیستم نظام راهبری شرکتی، در این شرکت ها مورد توجه قرار گیرد و نقش احتمالی کیفیت حسابرسی پایین در ورشکستگی مشخص شود.

محدودیت های تحقیق

بعضی از محدودیت های تحقیق ذاتی است و برخی از آن ها ناشی از شرایط محیطی و محدودیت زمانی انجام تحقیق می باشد. اهم محدودیت هایی که در اجرای این تحقیق وجود داشته و در تفسیر نتایج و تعمیم پذیری آن باید مورد توجه قرار گیرد، به شرح زیر است:

۱- محدودیت های حاکم بر مدل های ریاضی و همچنین تحلیل های آماری، نمونه گیری و تعمیم نتایج یکی از محدودیت های تحقیق می باشد. (محدودیت ذاتی)

۲- به خاطر اینکه جامعه آماری، بورس اوراق بهادار تهران بوده است، در تعمیم نتایج به کل شرکت های موجود در کشور باید این نکته را مد نظر داشت.

۳- در ایران به دلیل دولتی بودن و همچنین تعداد کارکنان زیاد سازمان حسابرسی، این سازمان به عنوان موسسه بزرگ و دارای خدمات با کیفیت تر در نظر گرفته شد. اگر معیارهای دیگری برای تعیین موسسات بزرگ حسابرسی در نظر گرفته می شد و تعداد آن ها افزایش می یافت ممکن بود نتایج متفاوتی به دنبال می داشت. بنابراین در تفسیر نتایج این تحقیق به این موضوع توجه بشود.

منابع و مأخذ

- ۱) آقائی، محمد علی و پری چالاکی. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال اول، شماره چهارم ف صص ۷۷-۵۴.
 - ۲) حساس یگانه، یحیی و ولی اله جعفری. (۱۳۸۷). "بررسی تاثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" فصلنامه ی بورس اوراق بهادار، شماره ۹، بهار ۸۹، صص ۴۲-۲۵.
 - ۳) حساس یگانه، یحیی و کاوه آذین فر. (۱۳۸۹). "رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی" بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۸۵-۹۸.
 - ۴) رجبی، روح اله. (۱۳۸۵). "چالش های تعویض حسابرس" فصلنامه حسابدار رسمی، بهار و تابستان ۱۳۸۵، صص ۶۲-۵۳.
 - ۵) رضازاده، جواد و کمال زارعی مروج. (۱۳۸۶). "عوامل موثر بر تغییر حسابرسان شرکت های ایرانی" فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۰، صص ۱۰۵-۸۹.
 - ۶) کرمی، غلامرضا و بذرافشان، آمنه و امیر محمدی. (۱۳۸۹). "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود" مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۴، صص ۶۵-۸۲.
 - ۷) نوروش، ایرج و کرمی، غلامرضا و جلال وافی ثانی. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی و هزینه های نمایندگی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" تحقیقات حسابداری، شماره اول، بهار، صص ۲۷-۴.
-) Abu-Tapanjeh, A.M. (). "Corporate governance from the Islamic perspective: A comparative analysis with OECD principles" *Critical perspectives on Accounting* (), - .
-) Balsam, S., Krishnan, J., & Yang, J. S. (). "Auditor industry specialization and earning quality. *Auditing" A Journal of practice & Theory*, (), - .
-) Chuntao Li, Frank M Song, Sonid ML Wong. " Audit Firm Size and Perception of Audit Quality: Evidences from a competitive Audit market in china" () - .
-) DeAngelo, L. E. (), "Auditor size and audit quality" *Journal of Accounting and Economics*, Vol. , No. , pp. - .

-) Denis, D. K., & McConnell, J. J. (). "International corporate governance" *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, ,
-) Dey, A. (). "Corporate Governance and Agency Conflicts." *Journal of Accounting Research*, Vol. , No. , pp. - .
-) Francis, J. R.; and E. R. Wilson (), "Auditor Change: a Joint Test of The ories Relating to Agency Costs and Differentiation" *The Accounting Review*, pp. -
-) Fargher, N.; Taylor, M. H.; and D. T. Simon (), "The Demand for Auditor Reputation Across International Markets for Audit Services" *The International Journal of Accounting*, pp. -
-) Gaspar, J., M. Massa & P. Matso. (). "Shareholder Investment Horizons and the Market for Corporate Control" *Journal of Financial and Economics*, Vol. , PP. - .
-) Guedhami, O.; Pittman, J. A.; and W. Saffar (), "Auditor Choice in Privatized Firms: Empirical Evidence on the Role of State and Foreign Owners" *Journal of Accounting and Economics*, pp. - .world.
- Journal of Finance, , .and corporate valuation. Journal of Finance, , .
-) Hamilton, J., C. Ruddock, D. Stokes, and S. Taylor. (). "Audit partner rotation, earnings quality and earnings conservatism" *Working paper*, University of Technology, Sydney, and University of New South Wales.
-) Henock, Louis, (), "Acquirers Abnormal Returns, Audit Firm Size, and the Small Auditor Clientele Effect" *Journal of Accounting and Economics*, pg: - .
-) Hossain, M.; Lim, C.; and P. Tan (), "Corporate Governance, Legal Environment, and Auditor Choice in Emerging Markets" *Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies*, Vol. , No. , pp. -
- .
-) Kane, G. D.; and U. Velury (), "The Role of Institutional Ownership in the Market for Auditing Services: An Empirical Investigation" *Journal of Business Research*, pp. - .
-) Ke, B. & S. Ramalingegowa. (). "Do Institutional Investors Exploit The Post-Earnings Announcement Drift?" *Journal of Accounting and Economics*, Vol. , PP. - .

-) La Porta, R., Lopez-De-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. W. (). "Investor protection and corporate valuation" *Journal of Finance*, , .
-) La Porta, R., Lopez de Silanes, F., & Shleifer, A. (). Corporate ownership)Lennox, C. (). "Audit quality and executive officers' affiliation with CPA firms" *Journal of Accounting and Economics*, (), .
-) Lin, Z. J. and L. Ming, (), "The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China" *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. , PP. - .
-) Pound, J. (). "Proxy contests and the efficiency of shareholder oversight" *Journal of Financial Economics*, Vol ,PP. -
-) Shleifer, A. & W. Vishny. (). "Large shareholders and corporate control" *Journal of political Economy*, Vol. , PP. - .
-) Velury, U. and D. S. Jenkins (). "Institutional ownership and the quality of earnings" *Journal of Business Research*, : - .
-) Wang, Q.; Wong. T. J.; and L. Xia (), "State Ownership, the Institutional Environment, and Auditor Choice: Evidence from China" *Journal of Accounting and Economics*, pp. - .

The effect of Corporate Governance Mechanisms on Auditor Switching

Ahmad khodami poorⁱ
Hamid reza ahmadi nejadⁱⁱ

Abstract:

Conduct an independent auditing can be seen as a way of corporate governance. Corporate governance has a positive impact on the company's financial report and auditing process. Study of corporate governance change regard to corporate governance mechanisms may contribute to the analysis of audit quality and the role of auditor, in obtaining ensure in credit companies. Strong corporate governance mechanisms can help companies to identify qualified auditor and This ensures that effective and independent oversight will be apply on the corporate financial reporting process And the resulting financial statements will be apply fairly. Purpose of this study was to test the effectiveness of corporate governance mechanisms on auditor switching in firms listed in stock exchange. In this study, from four indicators are used to measure corporate governance mechanisms: The degree of ownership concentration, the duality of chairman of board of directors, institutional ownership, the ratio of total debt to total assets (financial leverage). data of study have been extracted from firms listed in stock exchange during the years to . for analysis of data and test of hypothesis were used logistic regression models. The results of hypothesis test was showed that the positive relation have been exist between degree of ownership concentration and auditor change. The duality of chairman of board of directors do not efficacy on auditor switching financial leverage do not efficacy on auditor switching. The results was showed that the negative relation have been exist between institutional ownership and auditor switching .

Keywords: corporate governance auditor switching size of the audit institut

ⁱ - (Ph.D). Associate Professor, Department of Accounting, Shahid Bahonar University of Kerman

ⁱⁱ - M.A. of Accounting, Shahid Bahonar University of Kerman